

فرهنگ و فرهنگ نویسی و تأثیر فرهنگ‌های معاصر در ادبیات و علوم

دکتر داریوش صبور*

چکیده

در این نوشتار به پیشینه فرهنگ نویسی و آثاری اشارت رفته است که با روش الفبایی پیرامون مسایل فرهنگی، علوم و فنون، شرح حال و آثار بزرگان و نام آوران نوشته شده و به نام فرهنگ یا دایرة المعارف به مفهوم اصطلاحی آن نامیده شده و نام فرهنگ‌های معتبر و ویژگی‌های آن‌ها از قرن پنجم هجری قمری تا روزگار معاصر، بویژه تأثیر فرهنگ‌های معاصر در ادبیات و علوم نیز آورده شده است.

کلید واژه‌ها:

فرهنگ، دایرة المعارف، زبان، ادبیات، علوم و فنون.

* استاد مدعو دانش‌گاه رودهن.

فرهنگ^۱ نامی آشناست که مفهومی پیچیده دارد و در معانی گسترده بکار برده می‌شود.

دایرةالمعارف بزرگ فارسی، واژه فرهنگ را در مردم شناسی، راه و رسم مردم یک جامعه آورده و آن را مایه امتیاز انسان از حیوان دانسته است. مفهوم فرهنگ چنان سودمند بوده که آن را گسترش داده و در علوم اجتماعی و زیستی و ادبیات نیز بکار برده‌اند؛ به عبارت دیگر، آنچه فرهنگ اقوام و ملل را شکل می‌دهد، مجموعه آداب، اندیشه‌ها و رسوم مشترک میان مردم آن‌هاست که به وسیله آموزش یا ساختارهای اجتماعی، دینی، سیاسی، اقتصادی، بویژه زبان، ابزارها، سلاح‌ها، لباس‌ها، کشفیات و فن‌آوری، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و همگان از آن پیروی می‌کنند.^۲

فرهنگ معین: ادب نفس، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم، علوم و معارف و کتابی را که شامل لغات یک یا چند زبان و شرح آن است در معنی و مفهوم فرهنگ آورده است.^۳

به تعبیری دیگر فرهنگ پدیده‌ای پیچیده و گسترده از آداب و رسوم، اندیشه، هنر، علوم و شیوه زندگی اقوام و مللی است که با گذشت زمان شکل می‌گیرد و به نسل‌های آینده راه می‌یابد. چنین است که به کتاب‌هایی که مجموعه آگاهی‌ها را در زمینه‌های گوناگون فرهنگی در بر دارد نیز به همین اعتبار فرهنگ گفته شده‌اند. برای مثال در زبان و ادبیات، کتابی که واژه‌های یک زبان و معنی آن‌ها را به همان زبان یا زبان دیگر، یا نام و زندگی نامۀ بزرگان و آثار آنان را به ترتیب الفبایی نقل کرده یا به واژه‌هایی در گستره هنر، علوم، سیاست، اقتصاد... پرداخته باشد فرهنگ یا دایرةالمعارف و یا دانش‌نامه گفته می‌شود.^۴

فرهنگ نویسی: نگاهی به گذشته‌های دور نشان می‌دهد که در مغرب زمین به نگارش کتاب‌های تک موضوعی یا چند موضوعی توجه داشته‌اند. بقراط^۵ بر این باور بود که پهنه دانش بشری چنان گسترده است که عمر انسان برای بهره‌گیری از آن بسنده نیست و ناگزیر در هر رشته و فنی باید دانش‌نامه‌ای مشتمل بر مسایل مهم آن نوشته شود تا جویندگان را مفید افتد.^۶

در ایران با گشوده شدن مرزها از سوی اعراب و در قرون بعد با هجوم اقوام بیگانه دیگر چون غزان و مغول و تیموریان و برخورد شیوه زندگی مردم آنان و رخدادهای تازه فرهنگی و اجتماعی، کوشش‌های علمی و ادبی آغاز شد و نیازهای پژوهندگان - در زمینه‌های ویژه دانش روزگاران - به کتاب‌های یک موضوعی و چند موضوعی به صورت

فرهنگ یا دایرةالمعارف و دانش‌نامه بیش‌ی گرفت و نویسندگان کارآگاه به نگارش این گونه آثار دست زدند، تا در این راستا بتواند راه‌گشای پژوهندگان باشد.

بررسی در زمینه فرهنگ نویسی نشان می‌دهد که از قرون نخستین اسلامی به بعد، نگارش کتاب‌هایی که کاربرد فرهنگ به مفهوم امروزی را داشته است آغاز شده، بی‌آن که نام فرهنگ یا دایرةالمعارف و دانش‌نامه به آن‌ها داده شده باشد از جمله:

دینکرت: دانش‌نامه گونه‌ای است به زبان پهلوی ساسانی (پارسیک) درباره رسوم و روایات و تاریخ ادبیات دین زردشتی. (قرن سوم هجری قمری).

عیون الاخبار: از ابن قتیبه دینوری^۷ به زبان عربی، که از کهن‌ترین دانش‌نامه‌ها به آن زبان به شمار می‌رود.

احصاء العلوم: از ابونصر فارابی^۸ در تعبیر و تعریف علوم و ذکر فروع هنر علم که دایرةالمعارف گونه‌ای است از علوم و معارف آن روزگار.

رساله‌های اخوان الصفا: در زمینه معارف، علوم ریاضی، طبیعی، الهی، اقسام منطق و حکمت عملی در ۵۴ رساله که مجموعه آن‌ها گونه‌ای دایرةالمعارف را تشکیل می‌دهد.

کامل الصناعة الطیبة: از علی بن عباس مجوسی^۹ که دایرةالمعارف طبی است. **الفهرست:** از ابن ندیم^{۱۰} در زمینه کتاب‌شناسی و انواع خطوطی که پیش از اسلام در ایران رواج داشته، و برخی ادیان و فرق مانند زردشتی، مزدکی، مانوی که آگاهی‌هایی بی‌مانند و دقیق و شایسته اعتماد به دست داده است.

مفاتیح العلوم: از محمدبن احمد خوارزمی^{۱۱}، در فقه و کلام و نحو، کتابت، نجوم، طب، کیمیا، اخبار، فلسفه، منطق، ریاضیات، شعر، عروض، که برای وزیر نوح بن منصور سامانی نوشته شد.

الفهرست: از شیخ طوسی^{۱۲}، کتابی است ارزشمند و معتبر و مختصر در شرح حال رجال شیعه و آثار آنان که از نخستین کتاب‌ها در نوع خود به شمار می‌رود.

دانش‌نامه علایی: که ابن‌سینا^{۱۳} آن را به زبان عربی، به خواست علاءالدوله کاکویه (اوایل قرن پنجم هجری قمری)، در منطق و مابعدالطبیعه و طبیعیات، ریاضیات، هیأت و موسیقی نوشت.

نزهت‌نامه علایی: از شهرام بن ابن ابوالخیر^{۱۴} در نجوم.

ذخیره خوارزمشاهی: از اسماعیل جرجانی^{۱۵} که به ظاهر نخستین دایرةالمعارف پزشکی است که در سال ۵۰۴ به زبان فارسی نوشته شده است.

آمودج العلوم: از ابی بکر بن خیر البلوی^{۱۶}.

جامع العلوم: از امام فخر رازی^{۱۷}، که در آن از شصت علم بحث شده است.

یواقیت العلوم و دراری التجوم: که در قرن ششم هجری قمری، در زمینه‌های گوناگون علوم و فنون نوشته شده است.

معجم البلدان: از یاقوت حموی^{۱۸}، در معرفی شهرها و روستاهای بلاد اسلامی و نام آوران منسوب به آنها.

معجم الادب: از یاقوت حموی، در زمینه معرفی نحویان، لغویان، قرآء، علمای اخبار و انساب و نویسندگانی که در ادب تصنیفی داشته‌اند.

اقسام الحکمة: از خواجه نصیرالدین طوسی^{۱۹}، در حکمت.

درة التاج: از قطب‌الدین محمود شیرازی^{۲۰}، در زمینه منطق، مابعدالطبیعه، طبیعیات، ریاضیات، کلام، تصوف و اخلاق.

جامع العلوم و سلوة المحزون: از نجم‌الدین الحراقی^{۲۱}، دایرةالمعارف گونه‌ای است مشتمل بر آگاهی‌هایی درباره زمین و آسمان، ستارگان، خسوف و کسوف، گره‌ها و درختان و جزایر و دریاها و مانند آنها.

نهایة الادب فی فنون الادب: از احمد بن عبدالوهاب نویری کندی^{۲۲} درباره مسایل مربوط به آسمان و زمین و انسان و آنچه مربوط به اوست، از جانورشناسی و تاریخ و گیاهان.

نزهة القلوب: از عبدالله مستوفی^{۲۳}، در جغرافیا و علوم طبیعی.

نفایس الفنون فی عرایس الفنون: از شمس‌الدین محمد بن محمود آملی^{۲۴} که دانش‌نامه‌ای به معنی دقیق کلمه به شمار می‌رود.

شمس‌العلوم: از ابن سعید حمیری^{۲۵}.

تعریفات: از میرسید شریف جرجانی^{۲۶}، در شرح بخشی از اصطلاحات متداولی در علوم اسلامی مانند فقه، کلام، حدیث، حکمت، عرفان، صرف و نحو، علوم بلاغت که به گونه الفبایی تنظیم شده است.

دانش‌نامه جهان: از غیاث‌الدین علی بن علی امیران‌الحسینی^{۲۷}، در ده فصل پیرامون طبیعیات که به روش حکمای مشائی نوشته شده است.



صبح الاعشى فى قوانين الأنشاء: از شهاب الدین ابوالعباس قلقشندی^{۲۸}، در چهارده جلد، در فنون تاریخ، ادب و توصیف شهرها و کشورها، و *نهایة الادب فى معرفة انساب العرب*.

انمودج العلوم: از جلال الدین دوانی^{۲۹}، که دانش‌نامه گونه‌ای است از علوم دوران نویسنده آن. از آغاز قرن دهم هجری تا ۱۳۲۷ ش. نیز کتاب‌هایی از این دست که نام برده شده در زمینه‌های علوم عقلی و نقلی، طب، نغز، معما، نجوم، کاغذ، تاریخ، حکمت، معرفی کتاب‌های فارسی و ترکی، صنایع، تفسیر، اخبار، احادیث، اصطلاحات علوم، ترجمه احوال نویسندگان نیز نوشته شد آوردن نام آن‌ها سخن را دراز دامن و ملال آور خواهد کرد^{۳۰}.

فرهنگ واژگان: پیشینه فرهنگ نویسی واژگان نیز به دوردست‌های تاریخ می‌رسد. نخستین فرهنگ فارسی که از دیر زمان بر جای مانده *لغت نامه فرس/اسدی*، مشهور به فرهنگ *اسدی* از اسدی طوسی شاعر حماسه‌سرای قرن پنجم هجری قمری است که با تصرفاتی که در آن شده، آنچه را مربوط به اسدی است در آن باز نمی‌توان شناخت.

در سال‌های نخستین قرن هشتم ایرانیان بیش از پیش به فرهنگ نویسی گرائیدند و در دوران حکومت پادشاهان گورکانی هند، فراوانی آثار فارسی و نفوذ چشم‌گیر این زبان، نویسندگان ایرانی تبار و فارسی زبان آن دیار را نیز به نگارش فرهنگ‌های واژگان برگماشت و نویسندگان ایرانی نیز به سهم خود بر شمار این فرهنگ‌ها افزودند و تا پایان قرن سیزدهم هجری قمری آثار زیر را به دست دادند:

قرن هشتم هـ.ق.

فرهنگ خواص: نوشته مبارک شاه غزنوی^{۳۱}، مشهور به *فخر خواص* نخستین فرهنگی که در اوایل قرن هشتم هـ.ق، در هند نوشته شد.

صاح الفرس: از شمس الدین محمدشاه نخجوانی، ملقب به *فخر منشی*، در ۷۲۸ هـ.ق.

بحر الفصائل فى منافع الافاضل: به کوشش محمدبن داودبن محمود، در اواخر قرن هشتم هـ.ق.

قرن نهم هـ.ق.

دارالفضلاء: از قاضی محمدخان بدر محمد علوی. در ۸۲۲ هـ.ق.
مفتاح الفضلاء: به کوشش محمدبن داودبن محمود. در ۸۷۳ هـ.ق.
شرفنامه: از ابراهیم بن فاروقی. در ولایت بهار هند، که آن را در اواخر قرن نهم هـ.ق. به نام مرشد خود شرف الدین احمد مشیری تدوین کرد.

قرن دهم هـ.ق.

تحفة السعادة: از محمودبن شیخ ضیاء، در هند. در ۹۱۶ هـ.ق.
مؤید الفضلاء: از محمد لاد. در اوایل قرن دهم هـ.ق.
فرهنگ میرزا ابراهیم: از میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی. در قرن دهم هـ.ق.
فرهنگ وفایی: از حسین وفایی. در ۹۳۳ هـ.ق.
فرهنگ شیرخانی و فواید الصنایع: از محمد لاد. که خلاصه آن به نام زبده الفواید در ۹۵۵ هـ.ق. منتشر شده.
فتح الکتاب: از ابوالخیر سعد انصاری. در ۹۹۱ هـ.ق.
مجمع اللغات: به کوشش ابوالفضل وزیر جلال الدین اکبر شاه، در ۹۹۴ هـ.ق.
کشف اللغات: نوشته عبدالرحمان احمد سور. در اواخر قرن دهم هـ.ق.

قرن یازدهم هـ.ق.

گلزار افاضل: از الله داد فیضی، فرزند اسدالعلما علی شیر سرهندی. از ۱۰۰۱-۱۰۰۵ هـ.ق.
مجمع الفرس: مشهور به *فرهنگ سروری* از محمد قاسم. متخلص به سروری کاشانی، فرزند حاج محمد جهانگیری. در ۱۰۰۸ هـ.ق.
فرهنگ جهانگیری: به کوشش جمال الدین حسین بن فخر الدین حسن انجوی شیرازی از ۱۰۰۵-۱۰۰۷ هـ.ق. که در ۱۳۳۲ هـ.ق. با تجدید نظر به نام جهانگیر، فرزند اکبر شاه شد. این فرهنگ در ۲۴ باب و بسیار معتبر است.
چهار عنصر دانش: به اهتمام امان الله، ملقب به خانه زادخان فیروز جنگ، در زمان سلطنت جهانگیرخان^{۳۲}.

جمع الجوامع: از علی بن شیخ عبدالحق دهلوی. در ۱۰۳۹ هـ.ق.
لطایف اللغات: نوشته عبداللطیف بن عبدالله کبیر گجراتی.^{۳۳}
برهان قاطع: از محمدبن خلف تبریزی. متخلص به برهان. در ۱۰۶۲ هـ.ق. که
 در ۱۳۳۶ ش. به اهتمام محمدعباس با نسخ خطی مقابله و تصحیح و منتشر شده و با
 تعلیقات و حواشی دانشمندانه‌ای که شادروان دکتر معین به آن افزود به پنج جلد رسید.
فرهنگ رشیدی: به کوشش عبدالرشید عبدالغفور حسین مدنی. در ۱۰۶۴ هـ.ق.

قرن دوازدهم هـ.ق.

سراج اللغات: از سراج الدین علی خان اکبر آبادی متخلص به آرزو. در اوایل
 قرن دوازدهم هـ.ق.
محمود اللغات: به کوشش محمودبن شیخ عبدالواحد. فرزند قاضی شمس الدین
 ساکن بریلی. در ۱۱۵۰ هـ.ق.
بهار عجم: از نیک چند، متخلص به بهار در ۱۱۵۲ هـ.ق.

قرن سیزدهم هـ.ق.

قسطاس اللغه: از شیخ نورالدین محمد، معروف به محمد یوسف، متخلص به
 حکیم. در ۱۲۱۴ هـ.ق.
شمس اللغات: از رحیم الدین بن کریم الدین. در ۱۲۲۰ هـ.ق.
هفت قلم: نوشته قبول محمد. در سال‌های ۱۲۳۹ به بعد.
غیاث اللغات: از محمد غیاث الدین جلال الدین رامپوری در ۱۳۴۲ هـ.ق.
تسهیل اللغات: به کوشش شیخ احمد، متخلص به حسرت، ابن محمد علی بن
 عبدالقانع. در ۱۲۵۹ هـ.ق.
برهان جامع: از محمد کریم تبریزی. در ۱۲۶۰ هـ.ق. در تبریز.
بحر عجم: از محمد حسین، متخلص به راقم و ملقب به افضل الشعرا عشیرین
 سخن خان. در ۱۲۶۸ هـ.ق.
انجم آرای ناصری: از رضاقلی خان هدایت^{۳۴}. معروف به لله باشی.

ارمغان آصفی: نوشته عبدالغنی خان، متخلص به غنی. به نام میرمحبوب علی شاه (آصف ششم)، پادشاه دکن در ۱۲۹۰ هـ.ق.

چنان که دیده می‌شود از قرن هشتم تا قرن سیزدهم هجری قمری، گویی بیشتر نویسندگان ایرانی تبار و فارسی‌زبان هند که در آن دیار می‌زیستند، به مصداق شعر معروف حافظ «از این قند پارسی که به بنگاله می‌رفت شکر شکن شدند» و بیشتر آنان به نگارش و فراهم آوردن فرهنگ‌های فارسی دست زدند.

دایرة المعارف نویسی در ایران با نگارش **نامه دانش‌وران**، در اواخر عهد ناصری و پایان قرن سیزدهم (۱۲۹۶ هـ.ق.) آغاز شد و چهار تن از دانش‌مندان با نام‌های شمس العلماء محمد مهدی عبد‌الرب^{۳۵}، حاج میرزا ابوالفضل ساوجی، میرزا حسین طالقانی و عبدالوهاب فرزند عبدالعلی گلزوری، پدر شادروان علامه محمد قزوینی^{۳۷}، به دستور علی قلی میرزا (اعتضاد السلطنه) مأمور نگارش دایرة المعارفی با نام **نامه دانش‌وران**، در بیان احوال دانش‌مندان، مشایخ، حکما، پزشکان و نویسندگان شدند که در بحران انقلاب مشروطیت (۱۳۲۴ هـ.ق.)، پس از انتشار هفت جلد، در حرف (ش) ناتمام ماند. پس از **نامه دانش‌وران** می‌توان از **دایرة المعارف خلیلی** در ۱۳۱۸ هـ.ق. و **دایرة المعارف میرزا عبدالحسین خان سپهر** در ۱۳۵۱ هـ.ق. نام برد.

کوتاه سخن این که در قرن چهاردهم (معاصر)، آشنایی با شیوه دید فرهنگ نویسی و دانش‌نامه نویسی، اهل قلم و دانشمندان را برآن داشت که با استفاده از آثار گذشتگان و روش‌های تازه پژوهش در راه نگارش فرهنگ‌نامه‌های کامل تر و سودمندتر گام بردارند. کتاب‌های زیر برآمد کوشش‌های به کار گرفته شده در دوره معاصر است.

فرهنگ نفیسی (ناظم‌الاطباء): معروف به فرنودسار، اثر میرزا علی اکبر خان نفیسی^{۳۸} (ناظم‌الاطباء) در پنج جلد، شامل ۱۵۸۴۳۱ واژه فارسی و عربی و ترکی که نویسنده در نگارش آن به فرهنگ‌های برهان جامع، برهان قاطع، فرهنگ سروری و انجمن آرای ناصری نظر داشته و فرهنگ سودمندی پدید آورده است.^{۳۹}

ریحانه الادب: از محمدعلی تبریزی خیابانی^{۴۰}، معروف به مدرّس در شش جلد، دایرة المعارف گونه‌ای است در شرح حال ۴۶۰۰ تن از کشورهای اسلامی که نگارش آن در ۱۳۲۴ ش آغاز شد و تا پایان عمر نویسنده آن ۱۳۳۳ ش. ادامه داشت. **فرهنگ بهارستان** در مرادفات فارسی و **فرهنگ نگارستان**، **فرهنگ نوبهار** در واژگان فارسی نیز از اوست.^{۴۱}

آندراج: از محمدپادشاه متخلص به شاد، فرزند غلام محی الدین، میر منشی مهاراجه آندراج، راجه ولایت ریچی نگر، شامل واژه‌های فارسی و عربی و ترکی، آمیخته به شواهد شعر و نثر، در ۱۳۰۶ هـ.ق.

نقش بدیع: از وجاهت حسین عندلیب شادانی رامپوری. لاهور، ۱۳۴۲ هـ.ق.
آصف اللغات: از نواب عزیز جنگ بهادر^{۴۲}، در هفده جلد تا حرف جیم که ناتمام ماند.

فرهنگ نظام: نوشته سید محمد داعی الاسلام، در پنج جلد، به نام نظام رکن. از سال ۱۳۴۶-۱۳۵۸ هـ.ق. در حیدرآباد دکن.

لغت نامه دهخدا: اثر بزرگ و ارزشمند شادروان علامه علی اکبر دهخدا، دایرة المعارف بزرگی است برآمد کوشش چهل و پنج ساله دهخدا و سی میلیون برگه نوشته (فیش) او از کتاب‌های خطی و چاپی عربی و فارسی و نام رشته‌های تاریخ، جغرافیا، پزشکی، ریاضی، هیأت، نجوم، کلام و حکمت،...

نخستین چاپ لغت‌نامه در ۲۶۵۷۵ برگ در ۱۳۲۴-۱۳۲۵ ش منتشر شد. به سفارش دهخدا پس از او شادروان دکتر محمد معین و هم کاران وی در کمال هر چه بیشتر لغت نامه کوشیدند و چاپ‌های کامل تری از آن به دست دادند.

نشان دادن تلفظ درست واژگان، آوردن شواهد بسیار شعر و نثر برای واژگان و مقام دستوری آن‌ها به همراه آگاهی‌های گسترده، از مزایای لغت‌نامه است.

فرهنگ عمید: از حسن عمید که پس از فرهنگ نو ۱۳۳۲ ش. از او در دو جلد، با تصاویر در ۱۳۳۷ ش منتشر شد.

فرهنگ سخنوران: از عبدالرسول خیام پور. شامل تعدادی از نام‌های بزرگان و گزارش خلاصه‌ای از آن‌ها، در ۱۳۴۰ ش.

دایرة المعارف تشیع: زیر نظر حسن صدر حاج سیدجوادی، بهاء‌الدین خرمشاهی، کامران فانی، در پنج جلد، از ۱۳۳۶-۱۳۷۵ ش.

دایرة المعارف بزرگ اسلامی: زیر نظر کاظم بجنوردی، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چهارده جلد، از ۱۳۷۰-۱۳۸۶ ش.

فرهنگ معین: به کوشش شادروان دکتر محمد معین و هم‌کاران. با ویژگی‌های بسیار سودمند، در شش جلد مصور (سه بخش واژگان، یک بخش ترکیبات خارجی، دو بخش اعلام)، میان سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۴۵ ش. فراهم آمده است.

دایرة المعارف بزرگ فارسی: زیر نظر دکتر غلامحسین مصاحب و همکاران در سه جلد، که با دقت کامل و شیوه‌ی بسیار نوین و سودمند همراه با تصاویر گوناگون، میان سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۴ ش. چاپ و منتشر شده است.

فرهنگ فارسی امروز: مصور، از غلامحسین صدری و همکاران در دو جلد، ۱۳۷۳ ش. و یک جلد جداگانه در ۱۳۸۳ ش و یک جلد اعلام از همین نویسندگان با ۱۴۰۰۰ مدخل، با آوا نگار در ۱۳۸۳ ش.

اثر آفرینان (اعلام): زیر نظر محمدرضا نصیری، کمال حاج سیدجوادی، عبدالحسین نوایی، شامل نام و زندگی نامه و آثار بزرگانی که پیش از ۱۳۰۰ ش زاده شده‌اند، از ۱۳۷۲-۱۳۸۰ ش.

فرهنگ بزرگ سخن: به کوشش بخش فرهنگ نویسی انتشارات سخن، زیر نظر دکتر حسن انوری عضو فرهنگستان زبان در هشت جلد، ۱۳۸۱ ش و در آن راستا، تا سال ۱۳۸۶ ش فرهنگ‌های دو جلدی و یک جلدی، کودکان، دانش‌آموز، جیبی، درست نویسی نیز از سوی انتشارات سخن منتشر و در دسترس پژوهندگان قرار گرفته است.

فرهنگ‌هایی که تا پایان ۱۳۸۶ ش منتشر خواهد شد:

فرهنگ مشاهیر جهان: زیر نظر دکتر حسن انوری، سرپرست بخش فرهنگ نویسی انتشارات سخن، مصور، در سه جلد.

فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر: به کوشش نویسندگان این گفتار و همکاران، شامل زندگی نامه و آثار ۱۴۷۵ تن برگزیده شاعران و نویسندگان و مترجمان، روزنامه نگاران و خدمت‌گذاران فرهنگ که در سال‌های ۱۲۸۵-۱۳۸۵ زیسته و در گذشته‌اند.

تأثیر فرهنگ‌ها و دایرة المعارف‌های معاصر در ادبیات و علوم:

هرچند فرهنگ‌های گذشته که با شیوه‌ی دیرین و ابتدایی نوشته شده، هر یک ارزش و مزایای ویژه خود را دارد، ولی چون با سپری شدن زمان و پیشرفت درنگ ناپذیر علوم و فنون، نیاز به آگاهی‌های گسترده‌تر و ژرف‌تر علمی و ادبی بیش از پیش احساس می‌شود؛ دیگر آن فرهنگ‌ها جویندگان را چندان کارآمد و راه‌گشا نتواند بود و



فرهنگ‌های معاصر که ناگزیر با توجه به آن‌ها ولی با روش نوین فراهم شده است، مراجع با ارزش‌تری برای پژوهشگران خواهد بود. برای روشن شدن تأثیر فرهنگ‌های معاصر در ادبیات و علوم اشاره به چند ویژگی برخی از آن‌ها بسنده است:

لغت نامه دهخدا؛ به ویژه پس از شادروان علامه دهخدا، با کار گروهی کارشناسان بسی گسترده‌تر و دقیق‌تر، با شواهد بسیار شعر و نثر برای هر مدخل کامل‌تر شده و اثری بزرگ و سودمند برای پژوهندگان به دست داده است.

فرهنگ معین: با مقدمه مشروح و بسیار ارزشمند پیرامون پیشینه زبان‌های ایرانی (باستانی، میانه، کنونی)، منابع و عناصر و اهمیت زبان‌های ایرانی، به ویژه فارسی کنونی فراهم آمده، نخستین فرهنگ جامعی است که بر پایه روش علمی و اصول فرهنگ نویسی در کشورهای پیشرفته و تلفیقی از المنجد، وبستر واتینگاس انگلیسی، لاروس فرانسوی، بروکهایس آلمانی، میلر روسی با نظر به فرهنگ‌های گذشته، همراه با تصاویر از سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۴۵ ش. فراهم آمده و بخش اعلام آن زیر نظر شادروان دکتر سیدجعفر شهیدی سامان پذیرفته است. نشان دادن تلفظ درست واژگان و نام‌ها با آوانگار، ریشه و مقام دستوری واژگان، وجود متناسب شواهد و امثال برای آن‌ها، از مزایای دیگر این فرهنگ است.

دایرة المعارف بزرگ اسلامی: نخستین دایرة المعارف کامل و علمی به معنی حقیقی آن است که در قرن معاصر با روش نوین دایرة المعارف نویسی جدید و معتبر، و برپایه دایرة المعارف کلمبیا طرح‌ریزی شده و کارشناسان بسیاری در نگارش مدخل‌های آن دست داشته‌اند. داشتن تصویر و نقشه‌ها، هم چنین شرح گسترده، مدخل‌ها نیز از مزایای دیگر این فرهنگ است.

وسعت عناوین و مدخل‌ها، نگارش شرح مدخل‌ها به وسیله کارشناسان و صاحب نظران کارآمد در هر رشته از علوم و فنون با استفاده از منابع موجود شرقی و غربی (کتاب، نشریه، میکروفیلم)، پرحجم‌ترین شرح مفید و ممکن برای هر مدخل، و دیگر ویژگی‌ها، این دایرة المعارف را سودمندترین و غنی‌ترین مراجع برای پژوهندگان معاصر ساخته است.

فرهنگ بزرگ سخن: از بزرگ‌ترین و آخرین فرهنگ‌های گسترده واژگان است. در نظر داشتن شیوه جدید فرهنگ نویسی

- استفاده از فرهنگ‌های قدیم و جدید (زبان قدیم و جدید)

- استخراج معنی برخی از واژگان با کار میدانی (مراجعه به سازمان‌های علمی و خصوصی و تماس با مردم)
- تعریف نکردن واژگان با معنی مترادف و شرح آن با بیانی روشن و گویا.
- پرهیز از واژگان کهنه و به کاربردن زبان استوار و روشن روز در تعریف واژه‌ها.
- تعریف واژگان علمی به وسیله کارشناسان آن رشته.
- تعیین حدود واژگان از نظر دستوری و علوم بلاغی.
- دادن نام‌های معمول و رایج به مدخل‌های قدیمی و منسوخ.
- نشان دادن تلفظ درست مدخل‌ها با آوانگار.
- را از مزایای این فرهنگ می‌توان دانست.

فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن: گزینش مدخل‌های این فرهنگ که بزودی منتشر خواهد شد، بدون توجه به باورهای سیاسی و اجتماعی و مذهبی آنان و بر پایه دارا بودن یک یا چند ویژگی زیر انجام شده است:

- کسانی که یک یا چند اثر مستقل در زمینه علوم انسانی یا مقالات ارزشمند ادبی، تاریخی، فلسفی، اجتماعی... یا ترجمه‌های اصیل داشته‌اند.
- کوشندگانی که در راه بهبود هرچه بیشتر فرهنگ ایران گام‌های مؤثر و چشم‌گیر برداشته‌اند.
- بنیان‌گذاران نام‌دار نهادهای فرهنگی.
- تبدیل تاریخ‌های قمری به تاریخ شمسی.

در این فرهنگ که مصور نیز هست، تلفظ درست مدخل‌های آن با آوانگار نشان داده شده، از زندگی‌نامه و آثار برگزیدگان دور از هرگونه گرافه‌گویی و پسند شخصی، در خور اهمیت و شهرت و پایگاه دانش و تأثیرگذاری در فرهنگ جامعه سخن رفته و از آوردن هرگونه داوری بزرگان پیرامون یکدیگر پرهیز نشده تا ارزش هر یک چنان که باید شناخته شود.

گمان نمی‌رود با آنچه از مزایا و ویژگی‌های برخی از دایرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌های بزرگ و معتبری که در این روزگار فراهم آمده گفته شد، تأثیر چشم‌گیر این گونه آثار راه‌گشا، بر اهل ادب و پژوهندگان علوم و فنون معاصر پوشیده مانده باشد.



پی نوشت‌ها:

۱. برابر واژه انگلیسی Cutlture که اواخر قرن نوزدهم میلادی به وسیله (ا.ف.تایلر) برقرار شد. (دایرة المعارف بزرگ فارسی).
۲. نگاه کنید به همان جا، ذیل واژه فرهنگ.
۳. نگاه کنید به فرهنگ معین، ذیل واژه فرهنگ.
۴. نگاه کنید به فرهنگ بزرگ سخن، ذیل واژه فرهنگ.
۵. Hirrocrate، ۴۶۰-۳۷۵ تا ۳۷۰ پیش از میلاد. بزرگترین پزشک جهان باستان.
۶. نگاه کنید به اثر آفرینان، ج ۱، مقدمه ص ۴.
۷. ۲۱۳-۲۷۶ هـ.ق.
۸. ۲۶۰-۳۹۹ هـ.ق.
۹. د.گ. ۳۸۴ هـ.ق.
۱۰. د.گ. ۳۸۵ هـ.ق.
۱۱. د.گ. ۳۸۷ هـ.ق.
۱۲. د.گ. ۴۶۰ هـ.ق.
۱۳. ۳۷-۴۲۸ هـ.ق.
۱۴. قرن پنجم هجری قمری.
۱۵. د.گ. ۵۳۱ هـ.ق.
۱۶. د.گ. ۵۵۹ هـ.ق.
۱۷. د.گ. ۶۲۶ هـ.ق.
۱۸. ۵۷۵-۶۲۶ هـ.ق.
۱۹. د.گ. ۶۷۲ هـ.ق.
۲۰. د.گ. ۶۲۴-۷۱۰ هـ.ق.
۲۱. د.گ. ۷۳۲ هـ.ق.
۲۲. ۶۷۷-۷۳۲ [هـ.ق.
۲۳. د.گ. ۷۵۵ هـ.ق.
۲۴. د.گ. ۷۵۳ هـ.ق.
۲۵. د.گ. ۷۵۷ هـ.ق.
۲۶. د.گ. ۸۱۶ هـ.ق.
۲۷. قرن نهم هجری قمری.
۲۸. د.گ. ۸۲۱ هـ.ق.
۲۹. د.گ. ۹۰۷ هـ.ق.

۳۰. خواستاران نام این کتابها نگاه کنند به: فرهنگ/اعلام/انترآفرینان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج ۱، مقدمه، ص ۳.
۳۱. د.گ. ۷۱۶ هـ.ق.
۳۲. ۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ.ق.
۳۳. د.گ. ۱۰۴۸ هـ.ق.
۳۴. ۱۲۱۵-۱۲۷۸ هـ.ق.
۳۵. د.گ. ۱۳۳۱ هـ.ق.
۳۶. د.گ. ۱۳۰۶ هـ.ق.
۳۷. ۱۲۹۴-۱۳۶۸ هـ.ق.
۳۸. ۱۲۶۳-۱۳۴۲ هـ.ق.
۳۹. نگاه کنید به فرهنگ معین و دایرة المعارف بزرگ فارسی (مصاحب).
۴۰. ۱۲۹۹-۱۳۷۳ هـ.ق.
۴۱. نگاه کنید به فرهنگ معین و دایرة المعارف بزرگ فارسی (مصاحب).
۴۲. د.گ. ۱۲۴۳ هـ.ق.